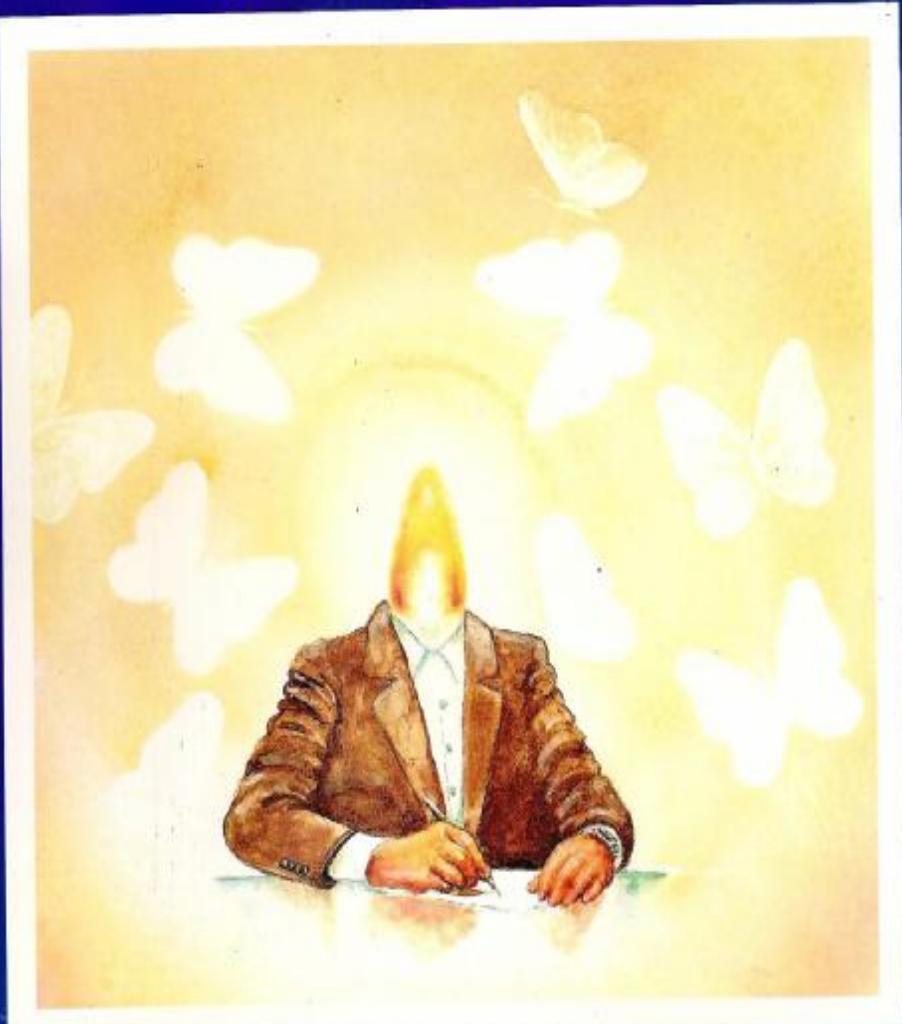




دانش مدیریت

شماره ۲۹ و ۳۰ تابستان و پاییز ۱۳۷۴
دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی



ISSN: 1019-3871

دانش مدیریت

فصلنامه علمی و پژوهشی

- فصلنامه علمی و پژوهشی «دانش مدیریت»
- مدیر سؤول و سردبیر: دکتر علی رضانیان
- زیر نظر شورای نویسندگان
- مدیر داخلی: محمد صادقی
- ۱۰۱۹-۳۸۷۱: ISSN
- نشانی: تهران - بزرگراه شهید چمران - خیابان جلال آل احمد
- دانشکده علوم اداری و مدیریت بازارگانی دانشگاه تهران
- صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۶۲۱۱
- تلفن: ۸۰۰۶۳۵۵
- فاکس: ۸۰۰۶۴۷۷
- شماره ۲۹ و ۳۰ - تابستان و پائیز ۱۳۷۴
- تیرماه: ۵۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۲۰۰۰ ریال
- چاپ: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
- این مجله مسؤول آراء و نظرات مندرج در مقالات نمی‌باشد.
- مجله در حذف یا اصلاح مقالات رسیده آزاد است.

فصلنامه علمی و پژوهشی دانش مدیریت - شماره ۲۹ و ۳۰ - تابستان و پائیز ۱۳۷۴

صفحه	سرمهای (ابزارهای کهنه، پروازهای بلند)	مدیریت پیشرفت کارکنان
۴	دکتر اسفندیار سعادت	
۲۲	دکتر علی اکبر فرهنگی	رسانه‌های جمعی و نقش آنها در ساختار اجتماعی واقعیت
۳۳	دکتر عبدالحمید ابراهیمی	طراحی استراتژیها برای بازار جهانی (۱)
۵۰	محمد جواد ابروزانی	ریشه‌ها، پیدایش و تطورات گات و بررسی کلان الحقیقی یا عدم الحقیقی ایران به آن
۶۱	دکتر محمد حقیقی	برنامه‌ریزی استراتژیک و جایگاه آن در سازمانهای صنعتی و تجاری ایران
۶۹	دکتر بهروز دری	الگوی نیازمندی جانشینی مدیریت - یک رویکرد ریاضی (۱)
۷۷	دکتر مسعود فیروزیان	عملکرد یکپارچه مدیریت معطوف به بهروری در سازمانهای صنعتی
۹۵	دکتر علی رضانیان	طراحی برنامه نظام یافته (۲)
۱۱۳	کریم کاشانیان	معرفی، پایان نامه: بررسی علل عدم کارآیی گروههای آموزشی در مناطق آموزش و پرورش استان تهران
۱۲۲	غلامرضا حاکمی	مورد کاوی شماره ۱۶
۱۲۷	Massood Rofoogaran	Leadership Style and Company Success:A Survey of Nationalized Iranian Companies Supervised by Industries Development and Renovation Organization
۱۴۳		خلاصه مقالات به زبان انگلیسی

ریشه‌ها، پیدایش و تطورات گات و

بررسی کلان الحق یا عدم الحق ایران به آن

محمدجواد ایروانی

مرجع حل اختلاف و داوری در تشکیلات جدید WTO و نیز قوت ابزار اجرایی تحت نام جدید است.

تاریخچه و انتگریزه تشکیل گات (GATT)
در دوره بین جنگ‌های جهانی اول و دوم روابط اقتصادی بین المللی دچار آسیب شد. ناسامانیهای عظیم اقتصادی از قبیل عدم موازنۀ پرداختها، تورم، کاهش شدید ارزش پول اغلب کشورها، اختلال در مبادلات بازارگانی و بیکاری گستردۀ سبب شد که دولتهای اروپایی و همچنین آمریکا به اتخاذ سیاستهای حمایتی شدید برای پشتیبانی از صنایع داخلی و اقدامات تلافی جویانه در برابر شرکای تجاری خود متولّ شوند.

در همین ارتیاط تلاش‌های درجهت رسیدن به موقعیت عادی صورت پذیرفت که از جمله آن اقدامات، سازماندهی تجارت جهانی بر پایه بازار آزاد و پذیرش استاندارد طلا در نظام مبادله بین المللی بود. این سیستم به دلیل ارزشگذاری بیش از حد واقع به پول داخلی توانست موفق باشد و با رکود دهه ۱۹۳۰ بکلی متلاشی شد.

با بروز چنگ جهانی دوم و تشدید محدودیتها در رشد تجارت جهانی بطور مشخص دو محدودیت به وجود آمده بود:
الف - محدودیت اول: کشورها با کسری شدید موازنۀ پرداختها رویرو شده بودند و لذا با اتخاذ سیاست کاهش ارزش پول ملی در صدد افزایش صادرات و کاهش واردات و در نتیجه بهبود حساب موازنۀ پرداختها پرآمدند، اما چون سایر کشورها نظری

گات چیست؟

گات (GATT) علامتی اختصاری است مشتمل از حروف اول کلمات انگلیسی (General Agreement on Tariff and Trade) به معنی «موافقنامه عمومی تعرفه و تجارت» و مراد، موافقنامه‌ای است که تبادل امتیازات تعرفه‌ای بین کشورهای با بیش از ۸۰٪ از بازرگانی جهان را تنظیم و سامان بخشی می‌نماید.
منشور گات متدی است مرکب از ۳۸ ماده (اصل موافقنامه) و تعداد زیادی فهرست ضمیمه که مشتمل بر مشخصات هزاران قلم کالاهاست که از طرف کشورهای عضو، تعرفه‌های گمرکی آنها تخفیف یافته است.

اصل موافقنامه ۴ فصل و در فصل چهارم آن، که «تجارت و توسعه» نام دارد، پیش‌بینیهای در زمینه نوع رابطه با کشورهای در حال توسعه آورده شده است. طبق مفاد این موافقنامه کشورهای عضو، که اکنون به ۱۲۴ کشور بالغ می‌گردند، متعهد می‌شوند تجارت چند جانبه‌ای را با حداقل موانع تجاری بین خودشان گسترش داده، امتیازات تجاری را لغو کنند.

در آخرین مذاکرات گات موسوم به دور اروگوئه در سال ۱۹۹۴ تصویم گرفته شد، نام گات (GATT) به دبلیو - تی - او (WTO) که مخفف «سازمان تجارت جهانی» است، تبدیل شود. از ابتدای سال ۱۹۹۵ عملاً این نهاد به عنوان یک سازمان بین المللی جدید آغاز به کار کرد. این سازمان در واقع جایگزین موافقنامه عمومی تعرفه و تجارت «گات» گردید و تمام موافقنامه‌های گات به این سازمان منتقل شد. اختلاف عمدۀ بین گات و WTO در پیش‌بینی

اندیشه مشابهی به وجود آمد که با انتخاب کمیته‌ای مرکب از کشورهای آمریکا - کانادا - انگلیس - فرانسه و کشورهای بنلوكس^۲ (با حدود ۷۰٪ از تجارت جهانی) تهیه منشور تجارت جهانی پیگیری گردید. منشور اخیر با ۳۴ ماده سرانجام بین ۲۳ کشور جهان مورد توافق قرار گرفت که در واقع اساس منشورگات گردید.

سیر تحول نظریات اقتصادی و تأثیر آنها بر گات

سیر تطور نظریات اقتصادی در عصر جدید (دوران صنعتی) حاکمی از آن است که این نظریات مطابق شرایط حاکم بر کشورهای خاستگاه نظریات مذکور شکل گرفته است؛ به عنوان مثال اقتصاددانان کلاسیک مانند آدام اسمیت و ریکاردو در وضعیت اقتصاد نو صنعتی معتقد به وجود یک نظام پنهان و دست نامیراثی بودند که اقتصاد را به سمت تخصیص بهینه منابع راهنمایی می‌کنند و در نهایت اقتصاد را به یک تعادل کلی می‌کشانند. بعدها با رشد و گسترش تجارت بین کشورها و بروز رقابت در صحنه بین‌المللی و همچنین وقایع ناخواسته مانند جنگ، که تأثیرات انکارناپذیری بر اقتصاد کشورها داشت، چنان استثنائاتی بر اصل تعادل عمومی وارد شد که دولتها را مجبور به مداخله نمود و در چنین اوضاعی بود که هر یک از کشورها ناچار به تأثیر آگاهانه بر متغیرهای اقتصادی گردیدند و اقتصاد مداخله‌ای و برنامه‌ریزی شده در آن سوی دیگر طیف نظریات اقتصادی مبتنی بر اقتصاد بازار قرار گرفت. متناسب با این تحولات در نظام اقتصادی، سیاستهای پولی و ارزی نیز دستخوش تغییرات اساسی گردیدند؛ از آن جمله اصل استاندارد طلاکه قرنها به عنوان یک اصل تردیدناپذیر مطرح بود، جای خود را به پشتونه طلا با درصدی از حجم کل پول داد. این تصمیمات به دلیل روابط متقابل بین کشورها خود مستلزم تعهدات متقابلي بود که تمامی کشورها را ملزم به رعایت و پایبندی یکسان می‌نمود. گرچه گذشت زمان و تاکاری آنها در موقعیت‌های بعدی به تجدید نظر مستمر در هر مورد منجر می‌گردید. همین ضرورت وجودی تعهدات متقابلي بین کشورها بود که اساس اعتقاد موافقتنامه عمومی تعریف و تجارت قرار گرفت.

اهداف گات

اهداف اصلی گات به موجب ماده ۲۶ موافقتنامه عبارتند از:

همین سیاست را پیش می‌گرفتند لذا تأثیرات آن خشنی می‌شد و در نتیجه برآیند این وضعیت به هم خوردن مناسبات پولی بین‌المللی بود.

ب - محدودیت دوم: با ایجاد تعرفه‌های سنگین گمرکی واردات را به شدت محدود ساخته و ضمناً صرفه‌جویی در منابع ارزی به صادرات و ایجاد منابع بیشتر برای رفع کسری موازنه پرداختها دست می‌زدند لیکن چون این سیاست توسط بقیه کشورها تقلید می‌شد، تأثیرات آنها خشنی شد؛ بسی نظمی و عدم اطمینان در تجارت جهانی به وجود آمد.

در نتیجه: تداوم عدم انضباط در تجارت جهانی باعث رشد جریان همگرایی بین‌المللی برای رفع مشکل شد و در پاسخ به محدودیت اول در سال ۱۹۴۴ به ابتکار آمریکا کنفرانس در برتن وودز (Bretton Woods) تشکیل شد و طی آن موافقتنامه تأسیس صندوق بین‌المللی پول و همچنین بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی) شکل گرفت. آمریکا در این کنفرانس ضمن مخالفت با ایجاد یک پول جدید «جهان رو» به نام بانکور، با تعهد خود مبنی بر ثبات دلار به طلاقی یک اعلامیه رسمی خود را موظف کرد در مقابل هر ۳۵ دلار یک اونس طلا دهد. به این ترتیب دلار به عنوان یک وسیله پرداخت بین‌المللی و یک پول «جهان رو» ثابت شد و تمام اعضای مکلف گردیدند پول ملی خود را نسبت به طلاقی و ثبات کنند و با این ترتیب ثبات نسبی در نظام پولی بین‌المللی و جریان مبادلات بین‌المللی حاکم شد.

انگیزه آمریکا را در مقطع زمانی مذکور در پاسخ به محدودیت دوم می‌توان در هدف دسترسی به بازارهای نوین و نیز سلطه بر تجارت جهانی، که به دلیل دور ماندن نسبی از عوارض جنگ جهانی دوم و شکوفایی اقتصاد این کشور و اشباع نسبی بازار داخلی به وجود آمده بود، جستجو کرد. بنابر این آمریکا می‌کوشید تا از طریق ایجاد یک نهاد بازرگانی جهانی اقتصاد و تجارت بین‌المللی را به سوی نظم موردنظر خود هدایت کند.

این اندیشه منجر به برگزاری کنفرانسها بی درجهت رفع موانع و محدودیتهای تجارتی و تأسیس سازمان تجارت بین‌المللی^۱ (ITO) در سال ۱۹۴۷ در ژنو و ۱۹۴۳ در لندن گردید که به دلیل عدم توافق کشورهای شرکت کننده به نتیجه‌ای دست یافت. چندی بعد در شورای اقتصادی، اجتماعی سازمان ملل

به عمل آمده است که آخرین دور آن، معروف به دور اروگونه است.
ج - اصل منع محدودیتهای مقداری

به موجب ماده ۱۱ گات، استفاده از محدودیتهای مقداری مانند سهمیه‌بندی، صدور پروانه وارداتی و صادراتی جایز نیست و کشورهای عضو موظفند از ایجاد اینگونه محدودیتها در مورد واردات از کشورهای عضو و یا صادرات خود به دیگر اعضای گات خودداری نمایند. به موجب ماده ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ WTO می‌توان از محدودیتهای مقداری استفاده کرد.

نکته حائز اهمیت این است که حتی در این مساقع نیز محدودیتها باید بیشتر از حمایت لازم از تراز پرداختها باشد و باید به محض رفع مشکل تراز پرداختها به تبعیت از اصل منع محدودیتهای مقداری که یکی از اصول پایه‌ای گات به شمار می‌آید تعریفها بطور تصاعدی کاهش داده شده؛ حذف گرددند.

د - اصل اسقاط تعهد

برابر ماده ۲۵ گات، یک کشور تحت شرایط اقتصادی یا تجاری الزام‌آور، می‌تواند تقاضای لغو تعهد نسبت به بعضی از اصول خاص گات را بنماید.

همچنین برابر ماده ۱۹ گات بعضی مساقع که دولتها احساس می‌نمایند هیچ راهی بجز حمایت از صنایع خود در مقابل واردات را ندارند، برای اصل حفاظت در شرایط موقت تعریف شده اجازه استخراج تعهد را دارند. در سالهای اخیر خیلی از اعضای گات نسبت به متول شدن بعضی دولتها به ترتیبات دوچاره تبعیض‌آمیز که اصول گات (ماده ۱۹) را نادیده می‌گیرد، ابراز نگرانی کرده و در تیجه شکنهای مختلف حفاظت موضوع مهم مذاکرات دور اروگونه بوده است.

در حال حاضر، یکی از کشورهای عضو، ایالات متحده آمریکاست که در ارتباط با اجرای بعضی سیاستهای کشاورزی خود از حق استخراج تعهد استفاده نماید.

گات چگونه عمل می‌کند؟

گات در خصوص مقررات مربوط به تعرفه و تجارت، نوعی توافق لازم‌الاجرا و الزام‌آور است که مجموعاً ۱۲۴ کشور و بیش

- ۱- توسعه مستمر اقتصادی و ارتقای سنجدهای (شاخصهای زندگی کشورهای عضو)
- ۲- هدفگیری همبستگی میان تجارت بین‌المللی و پیشرفت اقتصادی - اجتماعی
- ۳- گسترش تولید، فراهم کردن اشتغال کامل، افزایش درآمد واقعی و سطح تقاضا

اصول گات

پیمان گات دارای اصول گوناگونی بود و در واقع ماده ۲۸ گاته آن خود بیانگر اصول گات است. در این مجموعه سی گردیده است اصول کلی گات مورد بررسی قرار نگیرد.

الف - اصل ملت کامله‌الوداد (عدم تبعیض)

این اصل بیانگر این موضوع است که تجارت بین‌المللی باید بدون اعمال هرگونه تبعیضی صورت پذیرد؛ بر همین اساس تمام کشورهای عضو در صورت اعطای امتیازی به کشوری دیگر باید بدون قید و شرط، آن امتیاز را برای اعضای دیگر گات عمل نمایند. نکته قابل توجه این است که علی‌رغم قبول این اصل از سوی اعضای گات، استثنائاتی از قبیل اتحادیه‌های تجاری منطقه‌ای و یا مناطق آزاد تجاری پذیرفته شده است.

ب - اصل حمایت از طریق تعریفه

و لزوم کاهش تعریفه‌های گمرکی

طبق این اصل، حمایتی که از تولیدات داخلی به عمل می‌آید، لزوماً باید فقط از طریق تعریفه‌های گمرکی صورت پذیرد، نه محدودیتهای مقداری. زیرا گات در حقیقت موافقتنامه‌ای است تعریفای با این هدف که تا حد امکان حقوق و عوارض گمرکی را کاهش داده یا محدود نماید. اعطای امتیاز تعریفه‌ای معمولاً در کنفرانسها و بنابر اصل امتیازات متقابل انجام می‌گیرد و پس از تأیید سایر کشورهای عضو، تخفیفها شامل تمام اعضای گات می‌شود.

طبق ماده ۲ گات، کشورهای عضو نمی‌توانند حقوق یا عوارض دیگری بر کالا یا کالاهای مورد توافق وضع نمایند نا از آن طریق میزان امتیاز داده شده را با آن جبران نمایند. (همچنین کشورهای عضو حق استفاده از سایر اقدامات تجاری غیرمالی برای از بین بودن تأثیر امتیاز داده شده را ندارند). به منظور تحقق اصل کاهش تعریفه‌های گمرکی تابه حال هشت دور مذاکره بین کشورهای عضو

انجام رسید، محدودیتهای تجاری ناشی از وضع تعرفه‌های سنگین را مورد بروزی قرار داد. این محدودیتها شامل مواردی از قبل اعمال سیاستهای تبعیضی علیه سازندگان خارجی، استفاده از استانداردها و مقررات حقوقی برای مسدود کردن راه صادرکنندگان خارجی، بهره‌گیری از اهرم سویسید برای کم کردن قیمت کالاهای ساخت داخل در مقایسه با اجتناس مشابه خارجی، و بالاخره کاربرد شیوه‌های خاص به منظور سنجش اندازی در راه صادرکنندگان خارجی بود.

در دور اوروگونه که در سال ۱۹۸۶ آغاز شد، صورت اصلی مذاکرات عبارت بود از: حذف هر چه بیشتر مقررات دست و پاگیر در زمینه تعرفه‌های گمرکی و سایر اهرمهایی که مانع از دادوستد آزاد می‌گردید. در این دور از مذاکرات همچنین برای اولین بار به مسئله حق تأییف محصولات نکری نظری کتابها، برنامه‌ها و نرم افزارهای کامپیوتری، فیلمها و دیگر انواع ابداعات و ابتكارات فکری، توجه گردید. سرمایه‌گذاری خارجی به منزله جانشینی برای تجارت مستقیم، دادوستد در بخش خدمات، و بالاخره مسئله سویسیدهای کشاورزی از دیگر مسائل اساسی در این دور از مذاکرات بود.

در این دور همچنین مقرر شده بود اجلالی در سال ۱۹۹۰ بین دولتهای ذی نفع در بروکسل تشکیل گردد که به دلیل اختلاف در خصوص سویسیدهای کشاورزی این مذاکرات با شکست نسبی رو برو شد و در سال ۱۹۹۴ پس از قطعیت تصویب شمول بخش کشاورزی در پایان مذاکرات تأسیس سازمان تجارت جهانی WTO اعلام و نهاد موقت گات بعد از حدود پنج دهه به یک سازمان دائمی فرآگیر با مکانیزم‌های اجرایی و الزامات قوی تر تبدیل شد.

ایوان و گات

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، گرچه برخی از اصول و مقررات جاری ایران با گات مبایست داشت ولی به لحاظ اهمیت سازمان در سطح جهانی از سوی دولت وقت نماینده‌ای به صورت ناظر در جلسات گات شرکت می‌نمود. کشورهای ناظر در گات قبل از سالانه ۱۵۰۰ فرانک سوتیس برای دریافت اسناد و انتشارات می‌پرداختند و اجازه شرکت در جلسات را داشتند، ولی شورای گات در سال ۱۳۷۲ تصمیمات جدیدی را برای ناظران اتخاذ

از ۷۸٪ از حجم تجارت بین‌المللی را در بر می‌گیرد. هدف این پیمان تشویق تجارت و دادوستد در سطح جهانی از طریق کاهش محدودیتهای تجاری نظیر سهمیه‌های بازرگانی و حقوق گمرکی بر کالاهای وارداتی است.

گات از سه طریق عمل می‌کند:

- اول: از طریق تدوین مقرراتی برای تسهیل فعالیتهای بازرگانی
- دوم: از طریق ایجاد نقش جمعی برای انجام مذاکرات و چنان زدنها مرسوم به منظور حذف ضوابط دست و پاگیر و باز کردن راه دادوستد

- سوم: از طریق اجرای نقش یک دادگاه عالی برای حل اختلافات بین طرفهای تجاری

مقر اصلی گات در ژنو واقع است. این سازمان ۴۰۰ کارمند تمام وقت دارد و رئیس آن آقای پیتر ساترلند است. کارمندان گات بر موافقنامه‌های تجاری و توافق بین اعضاء نظارت می‌کنند. بلوکهای تجاری نظیر جامعه اروپا از نظر گات یک واحد تجاری به شمار می‌آیند. وزیران امور اقتصادی و بازرگانی کشورها برای سازمان دادن امور پیمان گات با یکدیگر ملاقات می‌کنند ولی در اغلب موارد مذاکرات توسط نمایندگان مخصوص و یا سفیران به انجام می‌رسد.

خلاصه‌ای از ادوار مذاکرات گات

از زمان تأسیس گات در پایان جنگ دوم جهانی تاکنون هشت دوره مذاکره برای تسهیل مقررات تجارت بین‌المللی برگزار شده و در این مدت تعداد کشورهای عضو پیمان از ۲۲ به ۱۲۴ کشور افزایش یافته است. پنج دور اول مذاکرات صرفاً به بروزی مقررات مربوط به تعرفه‌های گمرکی اختصاص یافته بود. مسئله سهمیه‌های تجاری از همان آغاز جزء موارد منع منظور شده است.

مذاکرات موسم به دور کنندی در دهه ۱۹۶۰ عمدتاً به مسئله جلوگیری از انباشتن کالا توسط شرکتهای سازنده در کشورهای مصرف کننده اختصاص یافت. در این دور مقرراتی بر ضد صادرات کالا به قیمت کمتر از هزینه تمام شده که مشخصاً به قیمت در هم شکستن توان تولیدی ملی در کشورهای مصرف کننده صورت می‌گرفت به تصویب رسید.

مذاکرات دور توکیو، که طی دهه هفتاد (۱۹۷۹ تا ۱۹۷۳) به

واردات) و توسعه صادرات، کشور ما در مقاطعی هر دو استراتژی را تجربه نموده است. از دیدگاه بخش‌های اقتصادی، در بخش کشاورزی، و در پاسخ به اصل خودکفایی بیشتر به استراتژی جایگزینی واردات توجه و عمل شده است که تا اندازه زیادی تابع خود را بروز داده است. اما در بخش صنعت علی رغم وجود برخی زیر ساختهای مناسب و همچنین وجود حلقه‌های مفتوه در فرایند تولیدات صنعتی به استراتژی توسعه صادرات توجه شده که می‌توان گفت به همین دلایل غیر از مواردی محدود صادرات غیر نفعی موفقیت چندانی نداشته است. بلکه می‌توان گفت در این استراتژی نیز بخش کشاورزی بر بخش صنعت پیش گرفته است. تلفیقی از دو استراتژی فوق در استفاده هم برای اقتصاد ایران مناسب است که به هر حال تنگی‌های عصده در موفقیت هر یک از دو استراتژی را در ایران می‌توان در موارد زیر بر شمرد:

- ۱- عدم وجود تمام زیربنای‌های لازم
- ۲- ناکارآمدی اقتصاد و نبودن بهره‌وری کافی به دلیل اشکالات ساختاری و عمیق در بخش‌های مختلف اقتصادی
- ۳- پایین بودن سطح تکنولوژی به معنای عام عوامل فوق خود منجر به عدم تخصیص بهینه منابع و در نتیجه نداشتن مزیت نسبی در مقایسه کالایی با کشورهای دیگر می‌گردد.

ساختار بازرگانی کشور

در حال حاضر استراتژی پذیرفته شده کشور، توسعه صادرات غیرنفعی ضمن حفظ استراتژی جایگزینی واردات است. معنی این مفهوم از یک طرف، ضرورت جستجوی بازارهای فعلی و ثروتمند برای کالاهای ساخت کشور است که از این نظر، گات شرایط قابل قبولی را فراهم می‌سازد، اما از طرف دیگر صادرات نیازمند وجود یک ساختار تولیدی قوی است که پاسخگوی تقاضای خارجی باشد. در عین حال ساختار تولیدی لازم به تکنولوژی پایه نیاز دارد که خود در بیشتر رشته‌ها وارداتی است. لذا برای تحلیل اینکه در صادرات چه مزیت نسبی را داریم باید با توجه به جمیع شرایط فوق تضمین پنگریم.

بنابر این از یک زاویه و بطور مشخص، پیش شرط‌های یک اقتصاد برای پذیرش گات، همان تکمیل، فرایند تولید کالاهای و

نمود که مهمترین آن محدود کردن زمان به ۵ سال برای اینگونه کشورها برای عضویت یا عدم عضویت بود. همچنین به موجب این تصمیمات کشورهای ناظر عیناً مانند کشورهای عضو، ملزم به ارانه گزارش سیاست بازرگانی خارجی و تحولات آن به گات گردیدند.

۱- در تاریخ ۱۴۷۰/۵/۱۴ کمیسیون اقتصاد هیأت محترم وزیران، وزارت بازرگانی را مأمور کرد در کمیته‌ای با شرکت نمایندگان سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی، وزارت‌خانه‌های امور اقتصادی و دارایی و امور خارجی، پیامدهای پیوستن ایران به گات را مورد بررسی قرار دهد.

۲- وزارت امور خارجی با توجه به عضویت رو به افزایش کشورها در گات و تحولات نظام نوین تجارت جهانی در جهت گسترش همکاری تجاری چند جانبه - اصلاحات اقتصادی و پولی و مالی و تجارتی در دست انجام کشور - استفاده از اصل کاهش تعرفه‌ای و اصل عدم تبعیض گات در آینده و بالاخره به این دلیل که روند عضویت در گات به واسطه حدود عوامل و ملاحظات جدید روز به روز دشوارتر و پیچیده‌تر خواهد شد، در تاریخ ۱۴۷۱/۵/۱۷ به مقام محترم ریاست جمهوری پیشنهاد نمود از هم اکنون اقداماتی در جهت عضویت به عمل آید.

۳- در سال ۱۴۷۲ وزارت بازرگانی در بازنگری گزارش قبلی، گزارش جدیدی را به هیأت محترم وزیران تقدیم داشت. هیأت محترم وزیران در جلسه مورخ ۱۴۷۲/۳/۲۶ بررسی عضویت جمهوری اسلامی ایران را به پس از پایان مذاکرات دور اروگونه موکول نمود.

ملاحظات اداره سازمانهای بین‌المللی وزارت امور خارجی بیانگر موضوعات زیر است:

الف - اطلاعات وزارت‌خانه‌ها و سازمانهای ذی‌ربط جمهوری اسلامی ایران درباره گات و عملکرد آن و مباحث طرح شده در دور اروگونه بسیار محدود و ناکافی است.

ب - بررسی و تحقیق کمی در خصوص مزایا و مضر عضویت در گات و پیامدهای آن بر بخش‌های صنایع، کشاورزی، خدمات، واردات، صادرات و ... صورت پنده‌رفته است.

استراتژی‌های توسعه اقتصادی و کاربرد آن در ایران از بین دو استراتژی تعریف شده برای توسعه، یعنی «جایگزینی

برخوردارند، از شمول تعریفهای گات خارج نگهداشته شده و بر عکس با تشدید تعریفهای سنگین کشورهای صنعتی بر نفت وارداتی خویش تا حدود ۳۰۰ درصد ارزش آن، بیشترین درآمد مالیاتی ممکن را از نفت وارداتی من گیرند. ضمن اینکه از این منبع «مالیاتی بودجه تحقیقات مربوط به جایگزینی سوختهای دیگر را هم تأمین می‌کنند؛ چنانچه نفت در زمرة کالاهای مشمول گات درآید، قیمتها مصنوعی فعلی به بهای واقعی خود نزدیک می‌شود و درآمد ناشی از صادرات نفت کشورهای صادر کننده نفت (یعنی کشورهای در حال توسعه) واقعی خواهد شد. تنها در این صورت است که عضویت در گات برای کشوری مانند ایران در کوتاه مدت با چنین پیش شرطی می‌تواند مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

خدمات در اقتصاد ملی است، و تنها در این وضعیت است که می‌توان ادعا نمود که تکنولوژی به بدن اقتصاد پیوند خورده به اصطلاح نهادی شده است و این همان مقدمه کسب مزیت‌های نسبی اقتصادی است. بنابر این پیش شرط عضویت ایران در گات از نظر اقتصادی، تکمیل زنجیره تولید، افزایش کارآئی عوامل تولید و متعاقب آن ایجاد مزیت‌های نسبی، و تنها پس از طی این مراحل است که می‌توان با طرفهای تجاری وارد مذاکره و معامله گردید، و نه به عنوان یک کشور نیازمند و خریدار.

از آنجاکه اقتصاد ملی ما به درآمد نفت اتكا دارد، این کالا باید به عنوان محور استراتژیک تجارت خارجی ما مطرح شود، سپس سایر اقلامی که در ترکیب تجارت خارجی ما با توجه به توان تولید فعلی و افق تولید در آینده از سهم بالاتر و نیز برتری نسبی در ترکیب صادرات برخوردار نمایند مطرح گردد.

مالکیت معنوی

تا چندی پیش ثبت اختراعات و دستاوردهای علمی و کسب حق امتیاز تنها در صنعت و نویسنگی و هنر (حق تأثیف) رایج بود. مدلی است که در اثر توسعه علم و تکنولوژی، ثبت تلاش خلاق محققان به سایر فعالیتها نیز کشانده شده است و به همین دلیل به جای استفاده از اصطلاح «حق امتیاز» یا «حق تأثیف» صحبت از «مالکیت معنوی» یا داراییهای فکری می‌شود. مالکیت معنوی شامل تمام فعالیتهای محققان و دانشمندانی است که تحقیقات آنها در هر زمینه منجر به اختصار یا کشف جدیدی می‌شود. اهمیت این امر تا حدی است که به معیاری در سنجش توان کمی و کیفی کشورها تبدیل گشته است. ارقام حق امتیاز کسب شده تا سال ۱۹۹۱ در سطح جهان مؤید این مطلب است. این ارقام نشان می‌دهند که از میان کشورهای در حال توسعه، کشورهای کره جنوبی و تایوان موفق شده‌اند به میدان تحقیق و علم و تکنولوژی پیوندند و البته هنوز از اهمیت نگران کننده‌ای برای کشورهای صنعتی است. در بخش کشاورزی تلاش در جهت ثبت اختراعات و کسب حق امتیاز تقریباً از اوایل دهه ۱۹۶۰ هنگامی که کشاورزی صنعتی در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری تحقق یافته، آغاز شد. در این زمان افق تازه‌ای در توسعه کشاورزی از راه کشاورزی علمی گشوده شد. کشاورزی، بهمی از توسعه خود را به محققان و آزمایشگاه‌های خارج از مزرعه سپرد. کشاورزی علمی رونق

تراز بازرگانی کشور

تراز بازرگانی و اقتصاد یک کشور بسیاری از علامت را برای توصیم‌گیری نشان می‌دهد. طبق آمار در سال ۱۳۷۱ در مقابل ۵۰۶ دلار واردات سرانه معادل ۵۱ دلار صادرات سرانه صورت گرفته است.

همچنین نسبت صادرات سرانه به واردات سرانه در سال ۱۳۶۷ معادل ۱۳٪ بوده است که در سال ۱۳۷۱ به ۱۰٪ کاهش یافته است. این ارقام بیانگر عدم آمادگی اقتصاد کشور در پیوستن به جریانی است که اینجا و آنچه دنبال بازار برای صادرات کلام است.

این موضوع وقتی اهمیت می‌یابد که در باییم آزادسازی نسبی بازرگانی خارجی کشور در چهار سال اول برنامه بیشتر منجر به واردات اندوه و ایجاد تهدیات خارجی شده و صادرات علی‌رغم رشد قابل توجه آن کمتر از رشد واردات افزایش یافت.

نفت، استثنایی بر قاعده توسعه تجارت

نفت خام از مهمترین کالاهای صادراتی کشور است که بخش عمده‌ای از درآمدهای عمومی کشور را به خود اختصاص داده است ولذا در تجارت خارجی ایران سهم عمدۀ‌ای دارد. در جایی که گات منادی حرکت آزادسازی تجارت جهانی است، نفت خام کشورهایی نظیر ما در آن از مزیت نسبی و شاید مطلق

کشورهای توسعه یافته، رونق گیرد. این امر به نوع خود ناقص اهداف تأسیس سازمان تجارت جهانی و عملای خلاف شعار آزادی تجارت جهانی است که خود بیانگر ترجیح منافع ملی توسط کشورها برایده مذکور بوده و اهداف و سیاستهای سازمان مذکور را در اجرا آز خاصیت خواهد انداخت و در نتیجه صندوق بین المللی پول مجبور به اتخاذ سیاست ثبیت نرخ ارزها با دامنه نوسان محدود و مشخص تغییر پنجه سال قبل خواهد شد تا از تنشیهای موجود ناشی از شوکهای پرداخته دلار و احتمالاً سایر ارزها در بازار بکاهد و اگر صندوق، موفق به اجرای این تدبیر عام ثبیت نرخ ارزها نشود، ناچار ایده ایجاد یک «واحد پول بین المللی» جدید که بتواند وسیله مبادله تجارت بین المللی و نیز وسیله ذخیره دارایی بین المللی بوده و از ثبات و پایداری برخوردار بوده و در معاملات بین المللی توسط کشورها به جای دلار قابلیت جایگزینی داشته باشد، قوت گرفته و اجتنابناپذیر می‌گردد. نوسانات پرداخته دلار که در ذخایر کشورها از یک طرف تغییر ارزش می‌دهد و از طرف دیگر باعث وقفه در مبادلات بین المللی و تجارت جهانی می‌گردد فقط تا مدتی می‌تواند تحمل شود. پس دو اقدام استراتژیکی که فراروی کشورها و صندوق بین المللی پول است به قرار ذیل است:

اول : بازگشت به سیاست ثبیت نرخ ارزها و الزام صندوق بین المللی پول به بازگشت کشورها به ثبیت نرخ ارز با دامنه نوسان مشخص

دوم : در صورت عدم اجرای استراتژی اول تنها راه حل باقیمانده، ایجاد یک واحد پول بین المللی جدید است که کلاً یا جزوی جایگزین دلار در معاملات بین المللی گردد.

ب : عکس العمل برخی کشورها در برابر محدودیتهای گات در گزارش اخیر بانک جهانی^۳ در رابطه با اولین مطالعات خود در ۲۶ هزار صفحه از تهدیات رسمی کشورها در مذاکرات دور اروگوئه، بیانگر تناقضات گفتار و عمل و نیز عدم صداقت کشورها بسوی کشورهای قدرتمند است. پرسفسور ان ویترز، رئیس سخن تجارت بین المللی بانک جهانی گفته است، مطالعات مذکور روشن می‌سازد «تفاوت زیادی میان محتوای موافقنامه دور اروگوئه و واقعیتها وجود دارد».

هر چند دور اروگوئه برای اولین بار، کشاورزی را تابع مقررات تجاری چند جانبه ساخته ولی بانک جهانی اعلام کرده است این

گرفت و علوم کشاورزی از مزرعه به آزمایشگاه وارد شد. قسمت اعظم پژوهشها به اصلاح تزاد و دست یافته به ارتقای پربازده و مقاوم اختصاص یافت. از این پس، از آنجاکه پژوهش در شرایط طبیعی و محیط اصلی کمتر مورد نیاز بود، محققان بیش از پیش اقدام به جمع آوری گونه‌های گیاهی بذر از سرتاسر دنیا کردند. در این زمینه ساخته تلاش آمریکا به دهه سال پیش باز می‌گردد. آمریکا از مدت‌ها قبل دهه‌گونه گیاهی و بذر پربرآورده و مقاوم به امراض و آفات را از سراسر دنیا جمع آوری نمود، و در این راه تها از ایران چهارگونه بذر گل کلم، پیاز، نخود فرنگی و اسفناج به آمریکا منتقل شده است. از این نظر طبیعی است که آمریکا و سایر کشورهای پیشرفته سعی کند دستاورده این چیزی را که به حق یا ناحق «مالکیت معنوی» نامیده می‌شود، در انحصار خود درآورند. اولین اعدام در این راه تدوین و تصویب قوانینی است که مالکیت و حق امتیاز این دستاوردها را به این کشورها اختصاص می‌دهد. این روند از دهه ۱۹۷۰ شروع شده و در مذاکرات دور اروگوئه از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. با این ترتیب استفاده از دستاوردها و تکثیر آنها با اجازه، و پرداخت حق امتیاز دارنده آن میسر خواهد بود.

آنده‌گات و پیش‌بینی عکس العمل کشورها

الف : با توجه به روند گذشته تجارت جهانی و عکس العمل کشورهای قاهر در برخورد با تصمیماتی که با منافع آنها در تضاد بوده است، پیش‌بینی می‌گردد در سالهای آینده استفاده از اهرم «تضعیف پول ملی» به موازات رشد اجرای الزمات گات مجدداً توسط کشورها مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در حال حاضر توسل به این سیاست از سوی آمریکا آغاز گردیده است. در این صورت اهداف سازمانهای مانند سازمان تجارت جهانی (WTO) که هدف آن رشد تجارت جهانی است و همچنین نهادهایی مانند صندوق بین المللی پول، کم اتر گردیده، و آنها را به تجدیدنظر در سیاستهای خود و ادار خواهد نمود؛ برای مثال صندوق بین المللی پول که به موجب اساسنامه خود به ثبات نظام پولی جهان و ثبیت نرخ مرابه ارز کشورها اقدام می‌نمود، و در دهه‌های بعدی و اداره رها کردن این سیاست گردید. در صورت تقویت سازمان تجارت جهانی پیش‌بینی می‌گردد روزی دیگر سکه سیاستهای حمایت‌گرایانه نوین، یعنی توسل به کاهش ارزش پول ملی توسط

امر چندان به گشایش بازارها کمک نخواهد کرد. علت این امر آن است که دولتها با اشتغال به نوعی تقلب قانونی، تعهدات خود را برای آزادسازی محدود ساخته‌اند. آنها پذیرفته‌ند که تمام موانع غیرتعریف‌ای به تعریف تبدیل شود، تعریف‌هایی که به سطوح معینی «مقید» بوده و نمی‌تواند افزایش یابد و در عرض چند سال باید کاهش یابد. با این حال این طرح از دوره پایه ۱۹۸۶-۸۸ شروع می‌شود که در آن حمایت از تجارت محصولات کشاورزی در سطح جهانی عموماً زیاد و در برخی موارد دو یا سه برابر سطح متوسط سالهای ۱۹۷۹-۹۳ بود. دولتها با تعیین سقفهای تعریف‌ای که اغلب متضمن حمایت بیشتری نسبت به موانع بر طرف شده‌انها بود،^۴ گزینگی بهتری یافته‌اند. این اختلاف برای واردات گندم اتحادیه اروپا حدود ۷۰ درصد و برای واردات گوشت آفریکا بیش از ۱۰۰ درصد است.

زبان یکی از کشورهای محدودی بود که بیشتر سقفهای تعریف‌ای را زیر سطح موانع موجود تعیین کرد. ولی این موانع از قبل آنقدر زیاد بوده است که حتی پس از آزادسازی هم، سطح حمایتی زبان بالا خواهد بود.

هر چند دولتها سریعتر از حد مورد تناقض ای موافقنامه دور اروگونه تعریف‌ها را کاهش خواهند داد، ولی آیا طرح آزادسازی رسمی اجازه خواهد داد سطوح حداقلی مجاز حمایت برای محصولات گوناگونی در بسیاری از کشورها در سال ۲۰۰۰ بالاتر از سالهای ۱۹۸۶-۸۸ باشد.

پیامدهای الحق ایران به سازمان تجارت جهانی و بیشنهادها

پیامدهای الحق ایران به سازمان تجارت جهانی برای اقتصاد کشور آن چنان وسیع است که بررسی آن در صلاحیت فرد خاصی نیست و نهادی علی‌را طلب می‌کند که جزئیات موضوع را مطالعه و مناقع و مضار آن را به دقت و به صورت کمی برآورد تعاقد الحق ایران به نگات از دیدگاه‌های متفاوت حقوقی، تجاری، اشتغال، سرمایه‌گذاری، صادرات و واردات، سیاسی و ... به بررسی جدی نیاز دارد.

اکنون این مسئله مطرح است که دور ماندن از نهادی بین‌المللی که بیش از ۸۰٪ از تجارت جهان را در اختیار دارد در راستای صالح اقتصادی و سیاسی کشور هست یا خیر. چنین به نظر

می‌رسد که در اوضاع فعلی اقتصاد جهان، تأثیر اقدامات این محفل اقتصادی بین‌المللی بر کشور ما انکار ناپذیر است، لکن میزان تأثیری‌ذیری از سازمان مذکور به بنیان تولیدی، عمر ملی، گسترش صادرات (بیویژه صادرات غیرنفتی)، رزیم مدیرانه تجاری و سیاست بازرگانی، مزیتهای نسبی اقتصاد کشور، مدبیریت اقتصاد، قوانین و مقررات سرمایه‌گذاری، و عوامل مستعد دیگر بستگی دارد. بخش کشاورزی به دلیل توان این کشور در صدور انواع محصولات این بخش و نیز واردات محصولات اساسی د استراتژیک به مطالعه خاصی نیاز دارد. اصلاح ساختار تولید در کشاورزی، بازنگری در شیوه مالکیت، بهره‌مندی از علم و تکنولوژی در این زمینه از بیش نیازها هستند. همچنان که بخش صنعت به مطالعه بیشتر در اوضاع فعلی کشور و شرایط رقبای نیاز دارد و نفت نیز به عنوان یک کالای اساس در چارچوب گفتگوهای طرفین، جایگاه مهم و خاص خود را خواهد داشت. در شرایطی که نظیر سایر کشورها هیچ ارزیابی تخمینی کمی در صورت عضویت یا عدم عضویت در سازمان تجارت جهانی از سوی بخشها عنوان نگرددیه است اظهار نظر شتاب زده و بدون محاسبات علمی پایه‌های محکمی برای تصمیم‌گیری پیش روی دولت نیز گذارد و لذا پیشنهاد مشخص عبارت است از:

- نکته مهم چگونگی محاسبات اقتصادی قیمت تمام شده و مربیت نسبی در رابطه با تأثیرات شرایط آینده محیطی در اقلام و محصولات مختلف بخش‌های مختلف اقتصادی بوده تا بر اساس آنها و نیز در شرایط الزامات گوناگون بر حسب رعایت استانداردهای زیست محیطی، استانداردهای کار و بیرونی انسانی، رعایت حقوق مالکیت معنوی، حذف سوپیده‌ها، آزادسازی بخش خدمات و ... خواهد بود؟ آیا قیمت تمام شده نولاد، گندم و فروش در شرایط مذکور چگونه خواهد بود؟ نیمهای جهانی کجا می‌ایستند و ادامه فعالیتها میسر است یا خیر؟ و نهایتاً در تراز بازرگانی و موازنه برداختهای کشور تأثیر مشبت و یا منفی می‌گذارد و در مجموعه اقلام بطور تخصیصی چه میزان به منابع ارزی کشور اضافه کرده و یا کاسته و در اشتغال چه تأثیرات رایه‌جا می‌گذارد؟ تاکنون اطلاعاتی از دستگاه‌های مختلف که حاکمی از محاسبات و جمع‌بندی آنها در موارد فوق باشد ارائه نگردیده و لذا هر گونه تصمیم‌گیری بدون محاسبات علمی و کارشناسی فاقد قابلیت اعتماد و جامعیت بوده و ناشی از استیوالهای احساسی است و

پیمان اقتصادی - سیاسی است. بسیار ساده‌لوحانه است اگر تصور کنیم این سازمان هم چنانکه از نامش پیداست یک نهاد بازرگانی صرف است بلکه از دریچه مبادلات بازرگانی بر شؤون اقتصادی، تمام سیاستگذاریهای اقتصادی و شؤون غیراقتصادی نظیر بحث آزادی مبادلات محصولات فرهنگی و الزامات سیاسی در صحنه‌های بین‌المللی برای حفظ روند تجارت جهان، شمولیت دارد. بنابر این، این پیمان بر همه ابعاد از جمله روابط خارجی نیز تأثیراتی خواهد داشت.

گات و سازمان تجارت جهانی مظہر یک تفکر سیاسی جهان شمول است که پس جنگ دوم جهانی به موازات شکل‌گیری صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، شرکتهای چندملیتی، تقسیم‌مندی جهان در چارچوب شرایط نوین جهانی و ... نفع گرفته است. گات در واقع یکی از پاسخهایی است که به سوال اقتصاد سرمایه‌داری جهان شمول داده شده است.

افزایش و فراوانی کالای داخلی و حتی در بازار جهانی که کشورهای صنعتی یا آن رویرو شده‌اند سبب می‌شود که اینان دنبال کسب مهم یشتیری در این بازارها و فتح بازارهای دیگری باشند که تاکنون توسط دولتها خود با سیاستهای تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای اجراه نداده‌اند به تولید داخلی آنها صدمه‌ای وارد شود و در آینده پیش‌بینی می‌نمایند که با افزایش تعداد رقبیان بازار و پیوستن کشورها به جریه کشورهای صنعتی تنها می‌توان سادو حریه (کیفیت و عزینه تمام شده کمتر) وارد بازار شد که این امتیاز هنوز در دست این کشورها (توسعه یافته‌های) است و علی‌رغم کاهش فاصله کشورهای نو صنعتی، اینان تیز کوشش می‌کنند فاصله را با افزایش سرعت خود نگهداشته و پس از اشاعر بازار جهانی نیز بکوشند با وجود امتیاز فاصله تکنولوژی خود، تکنولوژی صادر کنند.

بنابر این حفظ حیات اقتصادی، کاهش تورم و هزینه تمام شده، حفظ و افزایش اشتغال در کشورهای صنعتی در گروه طرف کردن موانع تجارت بین‌المللی بخصوص تعرفه‌های کشورهای در حال توسعه است، به عبارت دیگر اول باید دروازه‌ها را گشود و بعد وارد شد. اگر در این جنگ اقتصادی پیروز نشوند دامنه‌ای از مشکلات اقتصادی (و به تبع آن سیاسی، اجتماعی) در آینده آنها را به بنیت می‌کشند. تنها ذکر مشکل بیکاری غرب و تشدید آن با جایگزینی ماشین به جای انسان به عنوان دلیل محکمی بر این

تاکنون بیشترین استدلالهای مطرح شده به صرف تأسی از کشورهای است که عضو شده‌اند. در این وضعیت، تصمیم‌گیری با دید بسته صرفاً عمل با روش آزمون و خطامت که آسیهای فراوانی دربر دارد، بسیاری از کشورهای توسعه یافته و بانو صنعتی، پیش‌بینی ارقام افزایش صادرات و درآمدهای جدید ناشی از تحقق اهداف سازمان تجارت جهانی را اعلام نموده‌اند و فرضًا صدر اعظم آلمان اعلام کرده که ۵۰ میلیارد مارک به صادرات آلمان اضافه خواهد شد و یا نخست وزیر انگلستان اعلام داشته که ۴٪ به تولید بریتانیا اضافه شده و ۴۰۰۰۰ شغل اضافی در ده آینده ایجاد خواهد شد و یا امریکا اعلام نموده به محض اجرای دور اروگونه اقتصاد امریکا سالانه ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیارد دلار بهره‌مند خواهد شد. در حالی که علی‌رغم همه مباحثی که تاکنون مطرح شده در کشور ما چنین ارقامی از جانب دستگاه‌ها و یا کمیته ملی پروری عضویت در گات اعلام نگردید، است. بنابر این تمام دستگاه‌های اقتصادی باید تیجه عضویت کشور در گات را ارزیابی و نظر خود را فارغ از هرگونه کلی‌گوین اعلام نمایند.

۲- در حال حاضر به نظر می‌رسد صرفاً طی یک فرایند دهاله با تحقق محورهای استراتژیکی مورد بحث که در گزارش به آنها اشاره گردیده، و شامل گذر از مراحل حمایت منطقی لازم و تقویت زنجیرهای تولید و زیرنشاهی اقتصادی است، بهره‌برداری از عضویت در سازمان تجارت جهانی به نفع اقتصاد ملی محقق خواهد شد.

۳- در اجرای بند ۲ فوق، تشکیل یک گروه مقندر و متعدد کارشناسی به منظور مطالعه، مذاکره و اقاع مخاطبین مرتبط می‌تواند نقش محوری را ایفا نماید.

۴- در کوتاه مدت و نیز به عنوان یک استراتژی درازمدت، عضویت و توسعه فعالیتها در چارچوب پیمانها و اتحادیه‌های منطقه‌ای که مناقاتی با اهداف سازمان تجارت جهانی نداشت و توسط سازمان تجارت جهانی استثنای شده است و از طرفی سکویی برای رشد صادرات و ورود به بازارهای بین‌المللی است باید با قوت دنبال شود.

نتیجه‌گیری و چند استراتژی

ابن نکه شایان ذکر است که بسیاری از تحولات اقتصادی در جهان امروز در پستر تحولات سیاسی شکل می‌گیرد و گات یک

انگیزه کفایت می‌کند.

تشکیل مناطق آزاد تجاری در ۱۵ نوامبر ۱۹۹۴ اعلام می‌کند که به دلیل سیاستهای حمایتی از اقتصاد داخلی خود و کنترل واردات، تمام ابزارها و تصمیماتی را که منجر به آزادسازی تجاری می‌شود، قبول ندارد و اینکه ژاپنی‌ها پس از ۲۲ سال اجازه ورود سبب را به آمریکاییها می‌دهند و اصولاً مطالعات اقتصاد ژاپن به خوبی نشان دهنده یک سیستم تدبیر حمایتی شدید است، این نتیجه را به ما می‌دهد که در دنیای کوتاهی در برخوردها هنگام تعارض منافع ملی در برابر منافع اقتصاد جهانی دوگانگی شعارها و سیاستهای اعلامی با عمل وجود دارد آن هم از جانب تدریتهای بزرگ و قرومند؛ ما هم مستثنی نیستیم بنابر این هر نوع دستور کار در برخورد با تعارض فوق باید یافتن راههای فرار عملی به سوی منافع ملی باشد. آیا کشورهایی نظیر ایران با توجه به مهمن اندک خود در تجارت جهانی توانایی چنین برخوردهای دوگانه و توجیه و تثبیت آن را دارند؟ پاسخ روش است.

اما کشور ما هنوز دوره گذار از مرحله حمایت صنعتی و تولید اینبو، را پشت سرنگذاشته است. کشورهای صنعتی حدائق پنجاه سال این دوره را کاملاً طی نموده‌اند. بازار داخلی ما به مرحله اشباع ترسیمه و کمتر صادرات صنعتی داریم که بیانگر اشباع بازار داخلی آن باشد و ترکیب صادرات ما عمدتاً از نفت فرآوری نشده (خام)، کالاهای کشاورزی و سنتی و سپس صنعتی تشکیل شده است.

در این وضعیت، شکل‌گیری آرایش جدید تجارت جهانی (چه در صورت عضویت و یا عدم عضویت) برای ما چند پیام مهم استراتژیک دارد:

۱- با حرکت به سمت حذف سویسید در کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی از یک طرف امنیت غذایی بسیار اهمیت پیدا کرده و از سوی دیگر قیمت محصولات غذایی در جهان گرانتر شده و واردات آن سنگینی فراوانی بر موازنه پرداختها تحمیل خواهد کرد. (با توجه به جمیعت قابل توجه و داشتن مزیت نسبی در برخی محصولات کشاورزی) باید حرکت به سمت خودکفایی با سرعتی به مراتب بیشتر از سرعت حذف سویسیدها در جهان، دنبال شود ضمن اینکه در عوض صادرات توییدات مزداد بر نیاز ملی با توجه به قیستهای بالای جهانی کمک بسیار مؤثری به موازنه پرداختهای کشور خواهد نسود.

۲- با توجه به ساختار اقتصاد کشورهای مهم تعمیم‌گیر در

نکته حائز اهمیت این است که بازسازی و توسعه کشورهای صنعتی در شرایط همزمانی با بهره‌مندی از مستعمرات و نیز استعمار جهان سوم صورت گرفته و در شرایط تولید انبوه و اشاع بازارهای داخلی صنعتی و ظهر کشورهای نیمه صنعتی و نو صنعتی (که روزی خود بازار کشورهای صنعتی بوده‌اند و به دلیل بهره‌مندی کشورهای صنعتی از نیروی کار ارزان آنها دارای مهارت کافی و تولیدات فراوان گردیده‌اند) که به دنبال تسخیر بازارهای سنتی کشورهای صنعتی هستند، شرایط ویژه‌ای پدید آمده که بازار رقابت تشدید شده، ضمن اینکه توسعه تکنولوژی ارتباطات امکان بهره‌مندی کشورهای در حال توسعه را از تحقیقات فراهم آورده، است (جنجال محدودیت از استفاده از مالکیت معنوی در گات و ثبت دارایهای فکری و پرداخت حق الثبت سنگین برای اختراعات و داشت جدید به این دلیل است) ولذا از دید کشورهای صنعتی لزوم اتخاذ یک استراتژی جدید و تجدید آرایش ساختار تولید و تجارت و بازارها را اجتناب ناپذیر ساخته است. در همین راستا فراغیر شدن مقوله کاهش تعرفه‌ها و موانع گمرکی در زمینه‌های کشاورزی، خدمات اعم از پیمانکاری و حسابرسی و بانکداری و بیمه‌گری با آرمانها، سیاستها و استراتژیهای توسعه کشورها ارتباط پیدا می‌کند ضمن اینکه این تجدید آرایش عمدتاً به تحمیل کاهش موانع و تعرفه‌های کالاهای وارداتی به کشورهای فقیر و در حال توسعه همراه است. آمارهای برآورد بهره‌مندی فراوان کشورهای صنعتی از این تجدید آرایش که مرتباً توسط مسؤولان سیاسی آنها اعلام می‌گردد، مؤید این مدعاست.

در حالی که کشورهای منادی آزادسازی تجارت جهانی نظیر امریکا و ژاپن و کشورهای اروپایی به شکل کم نظری سیاستهای حمایت گرایانه را در عمل به کار می‌برند، توصیه و تأکید آنها به کشورهای در حال توسعه برای آزادسازی تجارت‌شان، به منظور گشودن دروازه‌های آنهاست. نگارنده این پدیده را حمایت‌گرانی نوین (New Protectionism) نامگذاری می‌کند. هنگامی که امریکا قانون سوپر ۳۰۱ خود را لغو نکرده و قدرت و نفوذ بقیه قوانین از جمله مقررات WTO را، ضمن و تحت الشعاع سوپر ۳۰۱ می‌داند و این اختیار را برای خود قائل می‌شود که هر زمان تشخیص داد برخلاف اصول سازمان تجارت جهانی جنگ تجاری اعلام و اعمال نماید و یا اینکه ژاپن در اجلاس سرانه APEC در رابطه با

جهانی چه ایرادی دارد؟ تجربه آزادسازی بازارگانی خارجی در کشور ما بیشتر به تسهیل واردات منجر شد و موجب تعهدات و بدهیهای سنگین ارزی برای کشور گردید که ظرف یک ده آینده، فشار آن به اقتصاد کشور ملموس خواهد بود، ضمن اینکه لطمه به سرمایه‌گذاران و کاعش انگیزه سرمایه‌گذاری و افت منابع ارزی برای تخصیص در سرمایه‌گذاریهای جدید را باعث گردیده است. البته سرمایه‌گذاری کلان تخصیص یافته در پنج سال گذشته، مرهون هدایتهای شخص و اشراف رئیس محترم قوه: تجربه، نیات و توانایی مدیریت بخشها مرتبه بوده است تا مکانیزمها و سیاستهای تخصیص منابع و یا عملکرد برخی دستگاه‌های مسؤول اقتصاد کلان.

به نظر نگارنده در کشور ما خوف تلفیق سه پدیده زیر همواره باید ملحوظ نظر باشد:

الف - تقلید یکسو نگرانه برخی مدعیان علمی، روشنگری از تصورهای ناکارآمد در عرصه اقتصاد کشورهای در حال توسعه.

ب - ساده‌اندیشی در سیاست‌گذاریها

ج - گرایش سنتی به زیان تولید و به سود واردات و فرهنگ ناصحیح عادی شده عدم انتباخت منابع فردی در راستای منابع ملی.

در یک جمیع‌بندی خاطر نشان می‌سازد که مطالب مطرح شده به مفهوم حصارکشی اقتصاد ایران نیست بلکه به مفهوم ضرورت تقویت ساختار تولید کشور است که در این صورت نه تنها سازمان تجارت جهانی بلکه هر ییمان دیگری می‌تواند سکویی برای رشد کشور باشد همچنانکه برای کشورهای قدرتمند اقتصادی نیز چنین بوده است.

پانویسهای:

۱- International Trade Organization

۲- بلریک - روز - لوگابرگ - سوند

۳- بولن روزنامه وزارت بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهشی بازرگانی، شماره ۴۳۰، مورخ ۲۱۲/۱۳۷۴.

۴- پستهاد مسابقه را اینجا به در سال ۱۳۷۲ در کسبیون اقتصاد جهانی تجارت‌نفر در تعریف‌ها (که متاخر از پیش میانجای تعریف‌گات) معرفه شده بود که ارزیابی از تدبیرهای خارجی رفاقت دلار هفتاد ریال به دلار شناور به عنوان یک سات و اکتش مطرح نبود.

این محلل جهانی و ساختار تعریف‌ها باید مزیتهای نسبی بالقوه به فعل تبدیل و به جای صادرات مواد خام صادر کننده محصولات و فرآوردهای نهایی باشیم. با سرمایه‌گذاری در صنایع جنبی نفت و گاز به صادر کننده محصولات نفت و پتروشیمیایی تبدیل شویم در غیر این صورت با مالیات (تعریف) سنگین ۳۰٪ روی نفت خام (که استثنائاً شامل تعریف‌های سازمان تجارت جهانی نیست) از طرف کشورهای صنعتی رویرو هستیم و بزرگترین رقم صادرات ما از مزیت عضویت سازمان تجارت جهانی محروم خواهد بود.

۳- با اتخاذ استراتژی جاتشینی واردات هم‌مان با استراتژی توسعه صادرات، از واردات کالاهای مختلف بکاهیم.

۴- با توسعه صنایع، کالاهای صنعتی مصرفی در اولویت صدور باشد.

۵- با توسعه جهش صنایع تبدیلی کشاورزی ارزش افزوده محصولات غذایی را به نفع اقتصاد ملی حرکت داده و به سرعت تولیدات کشاورزی را افزایش دهیم.

۶- با توجه به توانایی قابل ملاحظه از بهره‌مندی ابتکارات و اختراعات و محصولات جدید از راه کپی‌سازی و انتقال دانش فنی با سرعت و به صورت ویژه و قبل از وضع جلدی محدودیتهای جدید به عنوان یک فرصت طلازی از این مقوله باید استفاده کنیم. همچنین با اتخاذ سایر استراتژیهای جانبی مورد نیاز در رفع تگناهای پیش گفته و ایجاد عزم ملی برای تحقق آنها لازم است در یک فرایند ده‌ساله حضور ما در بازار جهانی آینده، در صادرات مواد نفتی، پتروشیمی، نیمه صنعتی، صنعتی مصرفی، کالاهای سنتی موجود و کالاهای کشاورزی برنامه‌ریزی شود و مابقی تولیدات عدمتاً عدم واردات و پرداختن به اشباع بازارهای داخلی باشد. البته افق رقابت در آینده جنگ کاهش هزینه تمام شده و افزایش کیفیت است که راه دشواری در این رابطه پیش رو داریم و در اوضاع فعلی سپردن تولیدات کشور به امواج بازار آزاد جهانی امری خیر منطقی است. کشورهای صنعتی با حمایت منطقی از صنایع خود این مرحله را گذرانده‌اند. آزادسازی بازرگانی خارجی به یهانه اینکه کالاهای داخلی بتوانند با کالاهای خارجی رقابت کنند بیشتر کمک به فرایند توسعه کشورهای صادر کننده به ما ارزیابی می‌شود که واجد منافع ملی نیست. چرا ارتباطی کینیت در ایران با سیاست واردات باید محقق شود، مگر با صادرات و تلاش برای نگهداری تولید و ارتقای کیفیت با حضور در بازارهای

GATT's Background and Iran's decision Whether to join or not

By: Mohammad Javani

The "GATT" is an acronym of the group of words; "General Agreement on tariff and trade" which means to balance the exchange of tariff concessions between the countries that hold more than %80 of the global trades.

GATT'S principle is a documentation consisting of 38 articles (the original agreement) and numbers of indexes that include the specifications of some thousands of commodities that their customs tariffs were reduced by GATT'S membering countries.

According to the article 26th of the agreement, the main objectives of GATT are as the following.

1- To enhance the economic development and to promote the living standards of the membering countries.

2- Aiming at coordinating international trade along with the socio - economic developments.

۱۴۱-۱۳۷۴-باستان و پاییز-۲۸۰۰-شماره

3- To expand the production, to create job opportunities, to increase the level of income consistant with the demand.

The GATT accord enjoys varieties of principles that the most important ones are as the following.

a- The principle of non - discriminating society.

b- The principle of supporting the method of enforcing the tariff and the necessity of reducing custom tariffs.

c- The principle of banning quantity restrictions

d: The principle of invalidation of objection.

In addition to explaining the

But my analysis (The writer) is that they failed to analyse and solve the problem through the guide - lines of a particular approach.

This paper about social structure of reality, discusses the interrelated concepts, and intends to give a clear picture of such an important philosophical and social issue, and in a simple way, in the possible words explain them one by one.